



بسم الله الرحمن الرحيم

خدا را سپاسگزارم که توفیق این دیدار بسیار خوب با شما عزیزان را که بهترین جوانان این ملت و کشور در میان شما هستند به بنده ارزانی داشت. نام، محتوا، هدف و همه چیز این دانشگاه، برای کسی که در دل شور و عشق حسینی داشته باشد، جذاب و زیباست. مراسم امروز هم، مراسمی پرمغز، زیبا و امیدآفرین است. امیدواریم که خداوند شما را همواره حسینی بدارد و در راه اهداف حسینی، به هدایتها و نورانیت بیشتر و ثبات در حرکت، مفتخر و سرافراز فرماید. حضور پرچم خونین حسینی در مقابل چشم ما، يك جلوه‌ی فوق‌العاده است. من صریحاً عرض می‌کنم که دانشگاه امام حسین علیه السلام بحمدالله از زمان دیدار قبلی ما که شاید حدود هشت سال پیش بود تا امروز، رشد کمی و کیفی مطلوبی بخصوص در سالهای اخیر داشته است.

عزیزان من! بنده معتقدم که در همه‌ی زمینه‌های مربوط به انسانها، رشد و وسایل رشد، يك امر خدا خواسته است. کسی که ابزار رشد را که خدا در وجود او و در جهان پیرامون او گذاشته به کار نمی‌گیرد و رشد خدا خواسته را در خود و در محیط پیرامون خود به وجود نمی‌آورد، کفران نعمت کرده است. این، کفران نعمت در مسائل شخصی و به وسیله‌ی يك شخص است. در مسائل اجتماعی، در مسائل مربوط به ملتها، اجتماعات و مجامع انسانی، کفران نعمت مربوط به حقوق انسانهاست که از سوی پروردگار، به هیچ وجه آرمزیده نیست. «ا لم تر الی الذین بدّلوا نعمة الله کفراً و اهلوا قومهم دار البوار. جهنم یصلونها و بئس القرار. (81)» این، انذار قرآنی درباره‌ی این‌گونه اشخاص است. عزیزان من! انسان، بخصوص وقتی مانند شما دل به معرفت و ایمان آباد کرده باشد، امکان رشد زیادی دارد. جوامع بشری که متشکل از این انسانها هستند، می‌توانند آن چنان پیش بروند که دنیای ظلمانی را پر از نور کنند. این، نوری است که خدا می‌بخشد، اما به دست انسان. «الله ولی الذین امنوا یخرجهم من الظلمات الی النور. (82)» این، نوری است که شما نشانه‌ی آن را می‌بینید و حضور آن را احساس می‌کنید. این، نور ایمان، نور اسلام، نور محبت و نور دلسوزی برای انسان و انسانیت است. نور دیدن و شناختن ظلم و زشت شمردن ظالم است. اینها چیزهایی است که امروز به برکت اسلام، در کشور و در نظام ما هست. شما باید هرچه بیشتر، از اینها استفاده کنید. شما باید از این فضا، برای بالندگی و سرافرازی هر چه بیشتر بهره ببرید.

شما جوان، مؤمن و انقلابی هستید. بحمدالله، تربیت شده‌ی قرآنید. محیط پیشرفت آماده است. چشم و دل شما روشن است. پس، باید پیش بروید. لذا، همان‌طور که برادر عزیزمان، سردار فرمانده دانشگاه، یادآوری کردند، من بر همان اصول و موازین گفته شده‌ی قبلی، یعنی علمی بودن، نظامی بودن، معنوی و عرفانی بودن، و دائم در حال پیشرفت بودن، تأکید می‌ورزم.

من روی نکته‌ی نظامی‌گری دانشگاه، تکیه می‌کنم. دانشگاه در کشور زیاد است و روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود؛ اما دانشگاه نظامی، دانشگاهی که به عنوان پشتیبانی علمی و سازماندهی و برای برآوردن همه‌ی نیازهای سازمان عظیمی مثل «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» باشد، باید وجود داشته باشد. به آسانی نمی‌توان از این گذشت و صرف نظر کرد.

بعضی خیال می‌کنند که اگر ما روی ظواهر یا لباس نظامی یا نظام جمع و این قبیل چیزها تکیه کنیم، کفایت می‌کند؛ اما این، سطحی‌نگری است. هر ظاهری در این عرصه و میدان، حکایت از يك امر واقعی و باطنی می‌کند. نظم ظاهری، نظم رفتاری و نظم در میدان جنگ را به ارمغان می‌آورد و نظم در جبهه‌بندی عظیم جهانی را به ما می‌دهد. از همین‌جا، این نکته‌ی اصلی را عرض کنم که، مسأله‌ی اصلی، جبهه‌بندی سراسری استکبار جهانی در مقابل کلمه‌ی حق است. جبهه‌بندی در مقابل ایران من حیث ایران نیست؛ در مقابل يك ملت، يك نژاد، يك قوم، از جهت آن قوم نیست؛ بلکه جبهه‌بندی در مقابل حق است. آب عده‌ای، با حق به يك جوی نمی‌رود. کسانی که می‌خواهند دنیا را بچاپند و کسانی که می‌خواهند همه‌ی جغرافیای زمین را بر اساس تمایلات استکباری خود شکل



دهند، نمی‌توانند با حق کنار آیند. به خاطر این که حق، حرکت باطل را بر نمی‌تابد و تحمل نمی‌کند. شما امروز در سطح دنیا نگاه کنید: يك تروریست نام و نشاندار که سوابق او روشن است و رفتار غاصبانه و ظالمانه‌ی او، حرکت او علیه يك ملت، تلاش او بر ضد انسانیت و سرکوبگریهای او بر هیچ‌کس از این کسانی که در فلسطین اشغالی در این چند روز جمع شدند، اشک تمساح ریختند و برای از دست دادن يك همکار بسیار ستمگر و وفادار به آرمانهای استکبار عزا گرفتند، پوشیده نیست، می‌میرد و در حالی که همه‌ی اینها او را می‌شناسند و می‌دانند که در چه راهی حرکت می‌کرده، برایش عزاداری می‌کنند!

من به ملت‌هایی که تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌های صهیونیستی هستند، کاری ندارم. آنها ممکن است اشتباه کنند. افکار عمومی را رسانه‌های عمومی تغییر می‌دهند؛ اما در بین سردمداران سیاست‌های جهانی، کسی نیست که نداند «فتوح شقاقی» شهید راه يك ارزش انسانی بود. امروز کیست که سربازی را که برای برگرداندن خانه‌ی خود از دست اشغالگران می‌جنگد، تحسین و ستایش نکند؟ چرا سرداران جنگها و سربازان فداکار معلول جنگهای آزادیبخش، در همه جای دنیا مورد احترامند؟ چرا مقبره‌ی سرباز گمنام به‌عنوان يك حرکت نمادین در همه جای دنیا مورد احترام است؟ این سرباز مگر چه کار کرده است؟ این سرباز یا آن سردار و یا آن معلول جنگی در آفریقا، در اروپا، در هر جای دنیا که شما نگاه کنید، همان کاری را کرده است که امروز فلسطینیهای مظلوم می‌کنند؛ سرداران فداکارشان می‌کنند و شهدای غربیشان انجام می‌دهند. هر کس که به ارزشهای انسانی پایبند باشد، اینها را از اعماق جان تحسین می‌کند؛ اما در شهادت شهید فتوح شقاقی، هیچ چشمی از چشمهای استکباری نگریست. يك قطره اشک از چشمهای دوخته به مطامع حیوانی‌شان، فرو نریخت. آن وقت برای قاتل او و برای يك تروریست سابقه‌دار، اشک می‌ریزند!

وای بر ملت‌هایی که رهبران‌شان چنین کسانی هستند! دل انسان بر حال ملتی مثل ملت امریکا که از چنین رهبران حقیر و ضعیف و فاقد ارزشهای انسانی برخوردار است، می‌سوزد. حالا از «شاه حسین» و امثال او که نوکرسفتی‌شان در طول سالهای طولانی، مشهود همه است، نمی‌خواهم یادی بکنم و اسمی بیاورم.

این، صحنه‌ی دنیا است. اینها آن دست‌هایی هستند که حرکت‌های جهانی را به سمت هدفهای مشخصی شکل می‌دهند. این است ردّ پنجه‌ی خونین ننگین صهیونیسم بر صحنه‌ی سیاست دنیا که مظهرش هم امریکاست. البته بدانید که این‌گونه نخواهد ماند. اگر در آینده انقلابی در کشور ایالات متحده‌ی امریکا فرض و تصوّر شود، شروع این انقلاب این‌گونه خواهد بود که مردم امریکا می‌ریزند و صهیونیست‌های امریکا را که امروز بر سراسر وجود آن کشور مسلطند تکه تکه می‌کنند. «و ان ربك لبالمرصاد» (83) این‌گونه نمی‌ماند؛ اما فعلاً همین است. چون می‌بینند که در این گوشه‌ی دنیا، تلاًو حقّ فضا را روشن می‌کند، مجبورند که حرکت باطل کنند، تیراندازی کنند و حمله کنند.

امروز، به فضل پروردگار، جمهوری اسلامی با شجاعت و بدون سر سوزن ترس و تردیدی، در این راه و برای این هدف ایستاده است تا باطل را افشا کند. البته ما نمی‌خواهیم دنیا و نیروهای گوناگون دنیا را به مبارزه‌ی رویاروی نظامی دعوت کنیم. این بحث که «ما دفاع خواهیم کرد و بر دهن هر متجاوزی خواهیم زد»، بحث دیگری است که در جای خود محفوظ است. ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، به هیچ‌وجه مبارزه‌جویی نظامی نمی‌کند؛ اما حقیقت را افشا و روشن خواهد کرد و بر حقیقت پای خواهد فشرد و در مقابل باطل، کوتاه نخواهد آمد. «لا اعبد ما تعبدون. و لا انتم عابدون ما اعبد» (84) تا شما هستید، تا این مبانی را دارید و تا از آن خاستگاه حرکت می‌کنید، حرف ما را قبول نخواهید کرد. ممکن نیست که جبهه‌ی باطل، حرف حق را قبول کند. «و لا انا عابد ما عبدتم» (85) من هم به طرف شما گرایش پیدا نمی‌کنم. این، حرف جمهوری اسلامی است.

بعضی خیال می‌کنند که سوره‌ی مبارکه‌ی «قل یا ایها الکافرون» سوره‌ی صلح است، در حالی که سوره‌ی جنگ و صف‌بندی و جدا شدن راه‌هاست. امروز، چه بخواهید و چه نخواهید، دنیا می‌داند که دو جناح وجود دارد. امروز بسیاری از کسانی از سران و زمامداران و مردم دنیا که شما و ملت جمهوری اسلامی را به‌خاطر مقاومتش، به خاطر آمادگی‌اش، به خاطر کوتاه نیامدن و نترسیدنش، تحسین می‌کنند. هر چند بعضی به زبان می‌آورند و بعضی به زبان نمی‌آورند. شما در مقابل چنین حرکت سازماندهی شده‌ای، باید منظم باشید. نظام جمهوری اسلامی، باید مظهر



انتظام باشد. منتها نظم در عرصه‌ی زندگی يك کشور و يك ملت بزرگ شصت میلیونی چیزی است و در عرصه‌ی يك سازمان نظامی، چیز دیگری است. امروز ارتش و سپاه، دو سازمان نظامی هستند که دوشادوش هم با فرماندهی واحد، در زیر نام مقدس «نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران» خدمت می‌کنند. سربازان هردو سازمان نظامی، سربازان خدا، سربازان قرآن، سربازان حقیقت و سربازان برترین ارزشهای انسانی‌ای هستند که هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را انکار کند. هرکدام هم مسؤولیت مشخصی دارند. سپاه پاسداران، این امتیاز بزرگ را دارد که مولود انقلاب است. «لمسجداً أسس علی التقوی من اول یوم احق ان تقوم فیه فیه رجال یحبون ان یتطهروا. ( 86)» چهره‌ها و دل‌های پاک و نورانی در این دانشگاه، سرآغاز تولد يك سپاه در سازمان آینده‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. در دوران اول انقلاب، در دوران جنگ و قبل از آمادگیهای لازم، فرصت این چیزها نبود. نه این که آن روز این چیزها بد بود؛ بلکه مجال و امکان نبود. اما امروز، مجال و امکان هست. لذا، این دانشگاه باید مظهر ایمان و تقوا و نظم، مظهر راستی و پاکی و صداقت، و مظهر روشن بینی و روشنفکری باشد. این دانشگاه باید به بیرون الگو بدهد. جوانان این دانشگاه، وقتی به بیرون می‌روند، باید الگوی يك جوان مؤمن و انقلابی باشند و حدّ اعلا و حدّاکثر را به بقیه‌ی نسل جوان کشور، نشان دهند. این، چیزی است که ما از این جا توقع داریم. بحمدالله، امروز راه نیز همین راه است. باید آن را دنبال کنید و در این راه، تلاش نمایید. تکیه‌ی من روی نظامی‌گری، مثل تکیه روی علم و تقوا و معنویت، بر فلسفه‌ای مبتنی است. ما در انقلاب و در اسلام، ظاهرسازی و صورت بی‌معنا و بی‌روح اصلاً نداریم. هر صورتی، معنایی، و هر لفظی، مضمونی دارد. اگر چیزی را توقع داریم، به خاطر این است که ریشه‌ی فلسفی آن را با اعتقاد تمام، در دل می‌پرورانیم. در مورد دانشگاه امام حسین هم که بحمدالله نام و خاستگاه و خصوصیات دیگر، و امروز پرچمش، حسینی است چنین است. حسینی باشید و حسینی بمانید. خودتان را در میدان حسینی پرورش و رشد دهید و بدانید که طریق سعادت دنیا و آخرت همین است و خدای متعال، به شما کمک خواهد کرد.

من هم امروز خیلی خوشوقت و خوشحال شدم که این صحنه‌ی بسیار خوب و زیبا و ظواهر حاکی از معانی جالب را دیدم. ان شاءالله در ادامه‌ی بازدید هم، چیزهای بیشتر و بهتری خواهیم دید. البته من قبلاً از مسائل این دانشگاه مطلع بودم؛ منتها آنچه شنیده‌ایم و خوانده‌ایم، امروز به چشم دیدیم و خواهیم دید.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

(81) ابراهیم: 28-29

(82) بقره: 257

(83) فجر: 14

(84) کافرون: 2-3

(85) کافرون: 4

(86) توبه: 108